

درجه

ساختر حکومتی در سرزمین آفتاب تابان

ساختار حکومتی ژاپن، به صورت یک نظام پارلمانی می‌باشد. به طوری که پارلمان به عنوان عالی‌ترین رکن حکومتی در جهت اعمال حق حاکمیت مردم و دموکراسی در نظر گرفته می‌شود. در ژاپن، قانون اساسی بالاترین جایگاه تصمیم‌گیری پیرامون مسایل کشوری است.

پادشاه یا امپراتور ژاپن در این قانون «مظهر کشور و یکپارچگی ملت» نامیده شده و دارای یک مقام تشریفاتی است.به این معنی که تسلطی بر حاکمیت ندارد.

از این جهت نظام حاکم بر ژاپن شباهت زیادی با نظام حاکم بر بریتانیا دارد. قانون اساسی فعلی ژاپن پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط نیروهای متفقین، در سوم نوامبر ۱۹۴۶ به تصویب رسید.

پیش از تصویب قانون اساسی فعلی ژاپن، اسانسمه میجی یا قانون امپراتوری (مصوب ۱۸۸۹) در حکم قانون اساسی ژاپن بود که طی آن اختیارات گسترده‌ای به پادشاه داده می‌شد. قانون اساسی فعلی ژاپن بر سه اصل بنیادی استوار است که به ترتیب اهمیت عبارتند از: حق حاکمیت مردم، تضمین حقوق اساسی مردم و تمایل مردم ژاپن به حفظ همیشگی صلح نخستین عبارت در مقدمه قانون اساسی چنین است: «ما مردم ژاپن از طریق نمایندگان خود در مجلس ملی در صحنه‌عمل حاضر می‌شویم.»

پیشینه مجلس ژاپن به بیش از یک قرن برمی‌گردد. برای نخستین بار در ۲۹ نوامبر ۱۸۸۹ مجلس سلطنتی ژاپن بر اساس قانون اساسی امپراتوری ژاپن (قانون اساسی میجی) افتتاح شد. بر اساس اصلاح انجام شده در قانون اساسی در سال ۱۹۴۵ مجلس، مرکز تمام فعالیت‌های قانونگذاری ملی محسوب می‌شود و تنها مجموعه‌ای است که قدرت تصویب قانون را دارد. هر چند که مجلس به عنوان عالی‌ترین ارگان حکومتی در جهت اصل اعمال حق حاکمیت مردم یا اصل دموکراسی عنوان می‌گردد، اما به کار بردن واژه «عالی‌ترین» به این مفهوم نیست که مجلس نسبت به قوای مجریه و قضاییه برتری مطلق دارد.

غالباً اکثر اعضای کابینه از بین نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند. ژاپن دارای دو مجلس است. یکی مجلس نمایندگان و دیگری مجلس مشاوران. مطابق قانون اساسی ژاپن، مجلس نمایندگان نسبت به مجلس مشاوران از برتری قطعی برخوردار است. قانون اساسی حاضر به ویژه در چهار مورد، برتری آرای مجلس نمایندگان را بر تصمیم‌های مجلس مشاوران مورد تأیید قرار می‌دهد.

این چهار مورد عبارتند از: تصویب قوانین، تصویب لوابح بودجه، تأیید معاهده و تعیین نخست‌وزیر. نمایندگان هر دو مجلس ژاپن از طریق رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند.

مجلس نمایندگان دارای ۴۸۰ کرسی نمایندگان می‌باشد و مجلس مشاوران در مجموع ۲۴۲ کرسی نمایندگی دارد. بر طبق قانون اساسی، دوره نمایندگی مجلس مشاوران شش سال است و انتخابات برای نیمی از نمایندگان این مجلس، هر سه سال یک‌بار صورت می‌گیرد. در خصوص برگزاری انتخابات، نظر به اینکه کشور ژاپن فاقد رییس‌جمهوری است، مهم‌ترین انتخابات، انتخاب نمایندگان مجالس است. نخست‌وزیر از بین نمایندگان پارلمان انتخاب می‌گردد و وی وزیران دولت را منصوب می‌نماید. مقام نخست‌وزیر در ژاپن، بالاترین مقام رسمی این کشور است که به آن «سوری دایجین» گفته می‌شود. نخست‌وزیر هر سه‌ساله در اولین نشست مجلس در آغاز سال نو مسیحی، اقدام به سخنرانی و معرفی سیاست‌های پایه خود برای مردم و نمایندگان مجلس این کشور می‌کند.

نخست‌وزیر در ژاپن، رهبری نیروی ارتش این کشور را هم در اختیار دارد و به همین دلیل اگر یک کشور بیگانه به ژاپن حمله کند، نخست‌وزیر شخصاً فرماندهی ارتش را بر عهده می‌گیرد. در هنگام رخدادهایی همچون، بلایای طبیعی یا عملیات تئوریستی نیز نخست‌وزیر برای دفاع از زندگی مردم، فرماندهی اتفق فکر را بر عهده خواهد داشت. یکی از برنامه‌های دائمی نخست‌وزیر ژاپن، حضور در مجلس و پاسخگویی به پرسش‌های صریح نمایندگان احزاب مخالف است. این نشست‌ها به طور مستقیم از تلویزیون سراسری این کشور پخش می‌شود.

لازم به ذکر است، در رسانه‌های ژاپنی بخشی وجود دارد که مربوط به تهیه گزارش در زمینه کار روزانه نخست‌وزیر است و متون این بخش از سوی خبرنگاران حوزه نخست‌وزیری تهیه می‌شود که همه جا همراه با نخست‌وزیر هستند و حرکت وی را مورد دیدهبانی قرار می‌دهند.

به این خبرنگاران دیده‌بان نخست‌وزیر یا «سوری‌بان» می‌گویند که مردم با خواندن مطالب آنها در رسانه‌ها می‌فهمیدند که نخست‌وزیر در طول روز با چه کسی دیدار کرده یا به طور کلی چه اقداماتی انجام داده است.

یکی دیگر از وظایف مهم نخست‌وزیر ژاپن «انحلال مجلس نمایندگان و برگزاری انتخابات سراسری در این کشور» است که این اقدام در شرایط خاصی از جمله، کاهش محبوبیت دولت صورت می‌گیرد. نخست‌وزیر ژاپن به همراه خانواده خود در محوطه کاخ نخست‌وزیری که به آن «کنتی» می‌گویند زندگی می‌کند.



در آخرین روزهای سال ۲۰۱۲ نمایندگان پارلمان ژاپن، با رای قاطعی «شینزو آبه» از حزب لیبرال دموکرات را به عنوان نخست‌وزیر جدید کشور خود انتخاب کردند. نخست‌وزیر جدید ژاپن درحالی کار خود را آغاز می‌کند که رابطه ژاپن و چین روزهای پر تنش‌ی را می‌گذراند. اختلافات میان این دو قدرت اقتصادی دنیا ریشه در تاریخ دارد. اما این بار، تنش‌های پیش آمده عمدتاً به دلیل اختلافات ارضی دو کشور درخصوص مالکیت جزایر دریای چین شرقی است. به نظر می‌رسد نخست‌وزیر جدید ژاپن درخصوص این جزایر قاطعیت بیشتری نسبت به دولت قبلی نشان دهد. شینزو آبه گفته است که این جزایر «بخشی ذاتی از سرزمین» ژاپن هستند.او با استناد به قوانین بین‌المللی این جزیر‌ها را تحت به کنترل خود درآورد. ژاپن طی آن سال‌ها در قامت یک قدرت نظامی قصد داشت نظم و آرایش خور دور را به دست خود و بدون دخالت قدرتهای جهانی شکل دهد. چند سال بعد در ژوئیه ۱۹۳۷ بین گروهی از سربازان ژاپنی و چینی درگیری مختصری روی داد و این اتفاق برای ژاپن بهانه‌ای شد تا لشگر کشی گسترده‌ای را به خاک چین آغاز کند.^(۱) این تهاجم با حمله به پکن و چند روز بعد با پیاده شدن سربازان ژاپنی در شانگهای آغاز گردید. پکن طرف ۴۸ ساعت به تصرف درآمد و شانگهای در ۲۷ اکتبر سقوط کرد.

در آن زمان هنوز حزب کمونیست چین فرمانروای مطلق چین نبود و حزب ملی چین (کومین تانگ) حکومت چین را در دست داشت. چین در آن شرایط فاقد حکومتی قدرتمند و ارتشی منسجم بود.ژاپن توانست طی ۱۸ ماه بر بخش‌های مهمی از چین از جمله پکن، شانگهای و نانکن مسلط شود. اراضی میلی رود «یانگ‌تسه» که بزرگ‌ترین مناطق تجاری چین در آن زمان بود در اختیار ارتش ژاپن قرار گرفت و سپس سراسر کرانه جنوبی چین توسط ژاپن اشغال شد. ژاپن در اوج این لشگر کشی‌ها توانسته بود بر ۴۲ درصد جمعیت چین مسلط شود و مهم‌ترین نقاط تجاری چین را در اختیار بگیرد. در آن زمان قدرت‌های بزرگ دنیا بسته به منافع خود، واکنش‌های مختلفی به این تهاجم نشان دادند. انگلستان تنها به اعتراض دیپلماتیک اکتفا کرد. آمریکا تنها اعلام کرد که وضع موجود در سالی‌های اخیر وجود تفاهمنامه‌ای بر سر مالکیت این جزایر باعث شده بود که دو کشور بر سر این موضوع مشکل و تنش جدی نداشته باشند.همین تفاهمنامه موجب گشته است که این جزایر خالی از سکنه و ابنیه باشد. به موجب این توافقنامه ژاپن پذیرفته بود که در این جزایر ساخت و سازی انجام ندهد و اجازه ندهد هیچ یک از اتباع ژاپنی وارد این جزایر شود

بزرگ‌ترین مناطق تجاری چین در آن زمان بود در اختیار ارتش ژاپن قرار گرفت و سپس سراسر کرانه جنوبی چین توسط ژاپن اشغال شد. ژاپن در اوج این لشگر کشی‌ها توانسته بود بر ۴۲ درصد جمعیت چین مسلط شود و مهم‌ترین نقاط تجاری چین را در اختیار بگیرد. در آن زمان قدرت‌های بزرگ دنیا بسته به منافع خود، واکنش‌های مختلفی به این تهاجم نشان دادند. انگلستان تنها به اعتراض دیپلماتیک اکتفا کرد. آمریکا تنها اعلام کرد که وضع موجود

را به رسمیت نمی‌نماید. آلمان و ایتالیا که از متحدان ژاپن بودند به طور ضمنی و آشکار از ژاپن حمایت کردند. در این میان تنها دولت سوسیالیستی شوروی (سابق) بود که در برابر ژاپن مقابله کرد.

هرچند که حزب کمونیست چین هم‌اکنون در کتاب‌های درسی خود می‌نویسد که در آن زمان مقابل نیروهای ژاپنی ایستاده است و از چین دفاع کرده است، اما سوابق تاریخی نشان می‌دهد که این حزب در آن زمان با هدف سرنگون کردن حزب ملی چین در خدمت متجاوزان به چین عمل کرده است. حزب کمونیست در آن زمان دریافت که اگر با نیروهای ژاپنی درگیر شود قادر نخواهد بود که حتی از پس یک لشگر آنها برآید و شکستش حتمی است. از نگاه حزب

کمونیست، اهمیت در حفظ قدرت حزب بود نه بقای کشور و ملت. در کتاب «۹ شرح و تفسیر درباره حزب کمونیست» آمده است که حزب کمونیست در زمان اشغال، طی بیانیه‌ای از مردم مناطق تحت کنترل حزب ملی چین درخواست کرد دست به اعتصاب و شورش بزنند تا دولت ملی گرا سرنگون شود. با حمله نیروهای ژاپنی به پایگاه دریایی «پرل هاربر»(۲) آمریکا، درگیری‌های ژاپن و چین نیز به گوشه‌ای از جنگ جهانی دوم در جبهه بزرگ جنگ اقیانوس آرام بدل گردید. نیمی از تلفات جنگ اقیانوس آرام حاصل این درگیری‌ها بود. سرانجام در سال ۱۹۴۵ با شکست ژاپن از متفقین، نیروهای این کشور به طور کامل خاک چین را تخلیه کردند.جنگ‌های چین و ژاپن در بی سیاست‌های امپریالیستی ژاپن و در دورانی رخ داد که ژاپن هنوز قدم به دروازه‌های شکوفایی اقتصادی و فناوری نگذاشته بود. با پایان جنگ جهانی دوم حزب کمونیست چین توانست با شکست کامل حزب ملی چین حاکمیت مطلق خود را در سال ۱۹۴۹ تثبیت نماید.

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی مصادف بود با بیشترین رشد اقتصادی ژاپن و جش به سمت شکوفا شدن در اقتصاد و فناوری. حال آنکه در نقطه مقابل برای چین این سال‌ها مصادف بود با دوران مصیبت.ارتاب انقلاب فرهنگی ماو، یعنی دورانی که اقتصاد چین نه تنها رونقی نداشت بلکه قحطی، فقر و ورشکستگی سراسر چین را در بر گرفت. از سویی دیگر شروع دهه ۱۹۸۰ مصادف بود با اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز که توسط «دنگ شیائوپینگ» رهبر وقت حزب کمونیست چین به اجرا گذاشته

هر دو قدرتمند در اقتصاد، اما بسیار متفاوت در معیارهای انسانی و اجتماعی

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی مصادف بود با بیشترین رشد اقتصادی ژاپن و جش به سمت شکوفا شدن در اقتصاد و فناوری. حال آنکه در نقطه مقابل برای چین این سال‌ها مصادف بود با دوران مصیبت.ارتاب انقلاب فرهنگی ماو، یعنی دورانی که اقتصاد چین نه تنها رونقی نداشت بلکه قحطی، فقر و ورشکستگی سراسر چین را در بر گرفت. از سویی دیگر شروع دهه ۱۹۸۰ مصادف بود با اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز که توسط «دنگ شیائوپینگ» رهبر وقت حزب کمونیست چین به اجرا گذاشته شد و به منزله شروع رشد چشمگیر اقتصادی چین تا به امروز بوده است. این درحالی است که ژاپن درست در همین سال‌ها نرخ رشد چشمگیر اقتصادی‌اش آهسته و آهسته‌تر شد. اما آیا چین و ژاپن مسیر توسعه و پیشرفت یکسانی را پیمودند؟ با نگاهی عمیق‌تر به اوضاع چین، خواهیم دید که این کشور، تحت حاکمیت حزب کمونیست، هم زمان با توسعه اقتصادی شاهد نزول و سقوط شدید شاخص‌های اجتماعی، انسانی و زیست‌محیطی بوده است.

به این معنا که چین، تحت سیطره کمونیسم، توسعه‌ای کاملاً نامتوازن را در پیش گرفته است که در نهایت تبعات آن می‌تواند دامنگیر تمام دنیا شود. در نقطه مقابل آنچه در مورد ژاپن شاهد هستیم این است که ژاپنی‌ها هم‌زمان که علم، فناوری، اقتصاد و صنعت حایز بهترین رتبه‌ها هستند، توانسته‌اند از لحاظ احترام به حقوق بشر، آزادی ادیان و افکار، دموکراسی و ارتقای شاخص‌های فرهنگی، مورد احترام و تحسین جامعه جهانی قرار گیرد. صنعت، ثروت و مدرنیزه شدن هیچ کدام باعث نشده است که عمده مردم ژاپن از فرهنگ سنتی‌شان که مبتنی بر اخلاق و کرامت انسانی است فاصله بگیرند. فرهنگی که ریشه در کنفیوسیسم و مکتب کهن شرقی دارد



عکس: Reuters

در ورود به هزاره سوم میلادی برای جامعه جهانی مساله محیط زیست و حفاظت از آن تبدیل به یک چالش و دغدغه جدی شده است. دولت ژاپن از طریق وزارتخانه محیط زیست خود، هر سه ساله میلیاردها ین برای مقابله با گازهای گل‌خانه‌ای و گرمایش جهانی هزینه می‌کند و در بخش صنعت و تولید تلاش بسیاری را در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید محصولات سبز و قابل بازیافت می‌کند. اما در نقطه مقابل، توسعه اقتصادی چین به قیمت تخریب گسترده اکوسیستم‌های طبیعی، آلودگی هوا و تخریب گسترده اراضی و جنگل‌ها بوده است. برای نمونه نقایص مادرزادی نوزادان در چین که در نتیجه آلودگی شدید محیط زیست این کشور است از سال ۲۰۰۱، ۴۰ درصد افزایش یافته است. به طوری که هر ۳۰۰۰ نایه یک نوزاد ناقص‌الخلقه در این کشور متولد می‌شود. چین دچار آلودگی زیست‌محیطی شدیدی است که تاوان رشد نامتوازن اقتصادی است. کیفیت هوا در شهرهای بزرگ چین مکرراً از سطح خطرناک می‌گذرد و میلیون‌ها نفر به آب پاک دسترسی ندارند. چین از بزرگ‌ترین تولیدکننده‌های گازهای گل‌خانه‌ای است و خشک شدن یا آلودگی شدید دریاچه‌ها و رودخانه‌های حیاتی از دیگر فجایع زیست‌محیطی این کشور است.

نظام حاکم بر ژاپن گرچه در زمره نظام‌های سکولار طبقه‌بندی می‌شود، اما از لحاظ تنوع و آزادی ادیان و مکتب فکری، این سرزمین را می‌توان به بهشتی برای معتقدین به ادیان گوناگون تعبیر کرد. از شاخه‌های گوناگون بودیسم، دانیوسیم و کنفیوسیسم گرفته تا ادابانی که از سرزمین‌هایی دورتر به ژاپن‌ها پیدا کرده‌اند. ادبانی نظیر اسلام و مسیحیت، اما در مقابل شاهد هستند که سال‌هاست بسیاری از سازمان‌های حامی حقوق بشر چین را در صدر لیست ناقضان حقوق‌بشر قرار داده‌اند و پرونده‌های سنگینی در این خصوص علیه رهبران حزب کمونیست در سراسر دنیا تشکیل شده است. از زمان انقلاب فرهنگی ماو در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تا به امروز موارد بسیار زیادی از آزار، سرکوب و تعقیب پیروان ادیان مختلف مستند شده است. از جمله می‌توان اقلیت مسلمان اویغور در منطقه سینک‌یانگ، مسیحیان ساکن چین و بوداییان تبت را نام برد.

در کنار آنچه ذکر شد می‌توان اشاره کرد به ۱۴ سال تعقیب و آزار شدید بیش از صد میلیون نفر از مردم چین که به تمرین روش معنوی قانون گونگ (فالون دافا) گرایش دارند. روشی که از سال ۱۹۹۲، به دلیل فواید چشمگیر آن در بهبود سلامت روحی و جسمی مردم رواج و محبوبیت روزافزونی پیدا کرد. اما حزب کمونیست با این نگرانی که شاید رواج گسترده روش معنوی قانون گونگ باعث شود ایدئولوژی الحادی کمونیسم به چالش کشیده شود راه ستیز و سرکوب شدید آن را تا به امروز در پیش گرفته است. در چین اگر به حدود هفت دهه پیش یعنی قبل از ظهور حزب کمونیست در این کشور بازگردیم، در میان چینی‌ها، چه در سطح حاکمیت و چه در سطح جامعه، معنویت و خصلت‌های مثبت اخلاقی حاکم بوده است. اما ظهور حزب کمونیست باعث وارونه شدن فرهنگ حاکم بر چین شد. فلسفه‌فقه حزب کمونیست کاملاً مغایر با فرهنگ کهن و اصیل چین است. حال آنکه ژاپن این اقبال را داشت که میراث گذشتگان خود را به دست نسل امروز خود بسیار د.

پی‌نوشت:

۱) این جنگ را به عنوان جنگ دوم چین و ژاپن در دوران معاصر می‌شناسند. چرا که پیش‌تر از آن نیز در سال‌های ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۵ دو کشور بر سر موضوع کره درگیری‌های نظامی داشتند، که به آن درگیری‌ها نخستین جنگ چین و ژاپن اطلاق می‌شود.

۲) حمله به پرل هاربر (نبرد پرل هاربر) حمله ناوگان دریایی ژاپن به پایگاه دریایی پرل هاربر آمریکا واقع در جزایر هاوایی در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ بود که صدمات بسیار سنگینی به آمریکایی‌ها وارد ساخت و موجب ورود ایالات متحده به جنگ جهانی دوم شد. ۳۶۰ هواپیمای ژاپنی توانستند پنج ناو بزرگ آمریکایی را به همراه سه کشتی کوچک‌تر غرق کنند. سه ناو دیگر به گونهای آسیب دیدند که توان عملیاتی خود را از دست دادند. علاوه بر آن، ۱۸۸ هواپیمای آمریکایی روی زمین نابود شده و ۱۵۵ هواپیمای دیگر آسیب دیدند. در پایان بیش از ۲۴۰۰ کشته و ۱۲۴۰ مجروح نیز بر دست نیروی دریایی آمریکا مانده بود. همچنین در این رابطه فیلمی هم به نام پرل هاربر در سال ۲۰۰۱ توسط مایکل بای ساخته شده است.

روزنه

جنبش دانشجویی سودان می‌تواند انقلاب کند؟

روز یکشنبه دوم دسامبر برای چندمین بار طی ماه‌های گذشته، صدها دانشجو برای اعتراض به عملکرد حکومت به خیابان‌های «خارطوم» ریختند. جنبش دانشجویی سودان تابستان گذشته به شدت از سوی دولت سرکوب شد. با این حال کارشناسان می‌پرسند آیا این جنبش نفس تازه‌ای پیدا کرده است؟ اما خود تظاهرات کنندگان هم در این باره تردید دارند.

درماه‌های منتهی به تابستان گذشته تظاهرات دانشجویان سودانی مهم‌ترین دانشگاه‌های این کشور را در نوردید. حرکتی که با الهام گرفتن از انقلاب‌های عربی و با استفاده از فضای مجازی، حکومت «عمر حسن البشیر» را نشانه گرفته بود و سعی می‌کرد با طرح شعارهایی خواستار کناره‌گیری او شود. اما این شور انقلابی و دانشجویی به شیوه‌های خشونت‌بار سرکوب شد.

اخیرا بعد از ماه‌ها، یک‌بار دیگر صدها تظاهرات کننده تلاش کردند صدایشان را به گوش مردم برسانند. تظاهرات این بار دانشجویان کثرت با گازهای اشک آور و باتوم نیروهای امنیتی سرکوب شد. به گفته رسانه‌های دولتی در این درگیری‌ها دست‌کم ۴۷ نفر بازداشت شدند. روز بعد اعلام شد که ۶ نفر دیگر نیز در یک تجمع کوچک‌تر در پایتخت بازداشت شده‌اند. دانشجویان در شعارهای خود فریاد می‌زدند: روح و جانم فدای توای سودان!

تظاهرات دانشجویان در دانشگاه «الجزیره» ابتدا در اعتراض به هزینه‌های دانشگاه و ثبت‌نام دانشجویان بود. به خصوص دانشجویان اهل «دارفور» به این نکته اعتراض داشتند که طبق توافق‌های حاصل شده با دولت دانشجویان این منطقه برای مدت محدودی از پرداخت هزینه‌های تحصیلی معاف شده‌اند اما مسولان دانشگاه اخیراً از آنها نیز طلب هزینه کرده‌اند. چند روز بعد اعلام شد سه تن از دانشجویان شرکت‌کننده در این تظاهرات را کشته

یافته‌اند.

به دنبال این حادثه صدها دانشجو در برابر بیمارستان محلی که دانشجویان مقتول در آن بود تجمع کرده و خواستار کالبد شکافی از آنان شدند. اما مقامات دولتی پاسخ دادند که این کار امکان‌پذیر نیست و هیچ دکتری اجازه این کار را نخواهد شد. در بین دانشجویان شایع بود که تعدادی از لباس شخصی‌ها (در سودان به آنها می‌گویند رابطه) دانشجویان را به صورت فیزیکی شکنجه و در دریاچه مصنوعی دانشگاه‌انداخته‌اند.

ماموران ادعا کرده بودند که این دانشجویان به دلیل شننا ندانستن غرق شده‌اند اما دانشجویان می‌گفتند چطور یک دانشجو می‌تواند در استخری به عمق یک متری خفه شود؟

در تابستان گذشته نیز موارد مشابهی گزارش شد که نشان می‌داد ماموران لباس شخصی به صورت‌های مختلف به دانشجویان حمله می‌کنند. آنها برای متفرق کردن تظاهرات دانشجویان از میله‌های آهنی استفاده کردند. یک‌بار تعداد زیادی از دانشجویان از ترس به داخل این دریاچه پریدند. اما کتبی غرق نشد. دانشجویان معترض می‌گویند رابطه‌ها آنها را می‌گیرند و به شدت شکنجه می‌کنند. مساله‌ای که مقامات دولتی سودان آن را تکذیب می‌کنند. درمورد کشته شدن سه دانشجوی یاد شده نیز وزارت بهداشت سودان می‌گوید هیچ‌گونه علامتی مبنی بر ضرب و شتم درآنها یافت نشده است. در همین حال وزارتخانه مذکور اعلام کرد تحقیقی مفصل را در باره علت مرگ آنان صورت خواهد داد. دانشجویان قصد داشتند به مناسبت مرگ این سه دانشجو تظاهراتی را در داخل دانشگاه بر گزار کنند اما دولت با استفاده از درس‌های گذشته قبل از شروع هرگونه تجمعی تمام راه‌های منتهی به میدان اصلی دانشگاه را بست. با این حال تعدادی از دانشجویان توانستند با فرار از محل دانشگاه خود را به میان مردم کوچه و بازار رسانده و اقدام به شعار و تظاهرات کنند.

آنها از کوچهای به کوچه دیگر می‌گریختند و شعار می‌دادند. در بعضی از ایستگاه‌های اتوبوس مردم نیز به آنسان ملحق شدند. در نهایت پلیس دخالت کرد و به شدت هر کسی را می‌توانست می‌زد. تظاهرات کنندگان دو اتوبوس را به آتش کشیده و سپس متفرق شدند. در این زد و خورده‌ها ده‌ها نفر بازداشت شدند.

دانشجویان شعارهای مختلفی می‌دهند. دولت عمر البشیر می‌خود را برای روزهای سخت‌تری آماده می‌کند به نظر می‌آید را تظاهرات تابستان گذشته درس‌های لازم را فرا گرفته باشد.

به گفته مقامات دولتی، نیروهای امنیتی از دو روز پیش خود را برای برخورد با هر گونه تظاهراتی آماده کرده بودند. از این رو مکان و زمان برگزاری تظاهرات مساله مهمی است که دانشجویان سعی می‌کنند طوری برنامه‌ریزی کنند که این اطلاعات را اختیار ماموران قرار نگیرد.

کارشناسان معتقدند، جنبش‌های انقلابی و دانشجویی سودان چنان که تاکنون ثابت کرده بدون رهبری است. فشارهای پلیس تاکنون توانسته است این گونه اعتراضات را مهار کند. دانشجویان از اینکه می‌بینند دوستان‌شان کتک می‌خورند، بازداشت می‌شوند و سپس ناپدید می‌گردند ناراحت هستند. از این بالاتر وقتی می‌بینند با این همه فداکاری هیچ چیزی تغییر نمی‌کند احساس خستگی می‌کنند.

منبع:فرانس پرس عربی